

# انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

# ۱۰۲

۳۰ فروردین ۱۳۸۱

۱۹ آوریل ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

**زنده باد اول مه**  
روز اتحاد جهانی کارگران



**دفتر مرکزی حزب**

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

**رادیو انترناسیونال**

۳۱ متر - ۹۹۴۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

اطلاعیه اول مه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۴

## روز اول مه به صف اعتراض طبقاتی ما پیوندید!

### کلیسا، کانون فساد

ثریا شهابی



به خانواده های فقیر و کم درآمد این کودکان، "حق سکوت" و باج پرداخته است.

مذهب، اعتقادی مغایر حقوق کودکان است. این مشخصه اکثر مذاهب است. مذاهبی مانند مسیحیت و یهودیت و اسلام، در احکام و رفتار، آشکارا حقوق کودکان را نقض می کنند. یک

صفحه ۲

ابعاد تکان دهنده ای از آزار و تجاوز جنسی به کودکان (پدوفیلی) توسط کلیسای کاتولیک، مردم را از هر چه مذهب است منزعج کرد. خبر از این قرار است که در آمریکا به دنبال شکایت های مکرر خانواده ها دال بر تجاوز و سوءاستفاده جنسی از کودکانشان توسط کشیش های کلیسای کاتولیک، دهها کشیش به این جرم دستگیر و بساط حداقل ۱۷ کلیسا جمع شد. این تنها بخشی از ابعاد کودک آزاری کلیساها است. گفته می شود که حداقل یک هزار مورد شکایت در این مورد وجود دارد و این تنها منحصر به آمریکا نیست و شامل کانادا، انگلیس، لهستان و فرانسه نیز می شود. بعلاوه دستگاه کلیسای کاتولیک در آمریکا برای "پرده پوشی" فجایع تجاوز به کودکان و سوءاستفاده جنسی از آنها، سالانه مبلغی قریب ۶۵۰ میلیون دلار

روز اول مه،  
مارکس را  
به خیابانها  
بیاوریم!



صفحه ۴

**اعتصاب عمومی**  
۱۳ میلیون کارگر در ایتالیا

### آنها آماده میشوند!

مصطفی صابر



و راهپیمایی کنند. احزاب اسلامی با پسوند کار و کارگر بیانیه میدهند و مصاحبه میکنند. روزنامه های حکومتی از جناح های مختلف به مسائل کارگری توجه میکنند. خانه کارگر جمهوری اسلامی کارگر نمایی و رادیکال نمایی میکنند. مثلا میکوشد

صفحه ۲

اول مه نزدیک میشود و ارگانهای سرمایه داران در ایران، از دستگاه های امنیتی دولت اسلامی، تا ارگانهای های پلیسی اسلامی به اصطلاح "صنفي" تا انواع تشکل های واقعا یا ظاهرا غیر دولتی برای مقابله با این روز آماده میشوند. مجیز گویی از کارگران بالا میگردد. "شاخه کارگری" فلان جبهه ناشناخته ناسیونالیست ها خلق الساعه ساخته میشود و به "کارگران عزیز میهن پرست" رهنمود اعتصاب میدهد. کسانی که میخواهند "حقوق بشر" و "سکولاریسم" را زیر عبای آشیخ منتظری به مردم ایران ارزانی کنند از کارگران میخواهند که در "روز کارگر و روز معلم" به خیابانها بیایند و با اینها بیعت کنند. "انجمن" های مشکوک تحت نام "فرهنگیان" و معلمین، از معلم ها میخواهند که سالگرد مرگ مطهری (روز معلم جمهوری اسلامی) تجمع

برای سرنگونی جمهوری  
اسلامی فردا دیر است

صفحه

۳

اخباری از اعتراض کارگری  
و تعطیلی کارخانجات

صفحه

۳



**به جنایات و توحش دولت  
اسرائیل اعتراض کنید!**

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

از صفحه ۱

## کلیسا، کانون فساد

کار روزمره آخوندها، کاردینال‌ها، کشیش‌ها و خاخام‌ها، پوشاندن وجه کودک آزاری مذهب است. تا جایی که به اسلام برمی‌گردد، پدوفیلی مشروع، اصلی پذیرفته شده و مطابق اصول اسلام است. در اسلام پدوفیلی و تجاوز جنسی به کودکان، تحت عنوان ازدواج با کودکان دختر از سنین ۹ سالگی، مشروع و قانونی است. محمد با "ازدواج" با یک دختر بچه، عایشه، خود یک پدوفیل است. احکام صریح اسلام در مورد وعده‌هایی که به مومنین داده می‌شود که در بهشت به کودکان برای سواستفاده جنسی دسترسی خواهند داشت، پدوفیلی است.

اما سواستفاده جنسی و تجاوز به کودکان توسط کشیشان و در حمایت کلیسا، امر تازه‌ای نیست. معلوم شده است که از کاردینال ماهونی در لس آنجلس، بیست سال پیش هم به خاطر سواستفاده جنسی از کودکان شکایت شده که کلیسا بر آن سرپوش گذاشته است. پرونده شخصی کشیشان از ابتدای تاسیس کلیساها و در طول تاریخ این نهاد، مملو از انواع این کودک آزاری‌ها است و آنچه که امروز برملا شده است تنها گوشه‌ای از ابعاد کودک آزاری این نهادهای مذهبی است. خبر تجاوز کشیشان به کودکان و سواستفاده جنسی از آنها در آمریکا، از یک طرف مردم آمریکا را نسبت به این جنایت بشدت خشمگین کرده است و از طرف دیگر این واقعه اسکاندالی شده است که کل نهاد کلیسای کاتولیک

در جهان را به بحران کشانده است. تا جایی که قرار است پاپ در واتیکان با مجمعی از کاردینال‌های آمریکا روزهای ۲۳ و ۲۴ آوریل جلساتی برگزار کند تا پدوفیلی کشیشان را "رفع و رجوع" کنند. یا بقول خودشان "اعتماد از دست رفته نسبت به کلیسا و روحانیت" را مجدداً بین مردم رواج دهند. طبعاً واتیکان و کلیسای کاتولیک همه تلاش خود را خواهند کرد تا بطرق مختلف مثل "قربانی" کردن چند کشیش، برکناری و تن دادن به دستگیر و زندانی شدن تعدادی از آنها، بسته شدن در چند کلیسا و تصویب تغییراتی در قوانین و مقررات کلیساها، قضیه را بنوعی بنفع نهاد کلیسا و واتیکان، فیصله دهند. امیدوارند که به این طریق هم

بر آتش خشم مردم آب بریزند و هم بلکه "اعتماد" از دست رفته را احیا کنند. می‌گویند که: اینهم مثل همه جرایم دیگر است که توسط همه اقتدار و طبقات در جامعه صورت می‌گیرد. کشیش‌ها هم انسان‌اند و خطاکار و احتمالاً بیمار!

با این ادعاها، و در واقع فردی، شخصی و خصوصی کردن جرائم کشیشان، قرار است مسئول اصلی تجاوز به کودکان از تعرض مردم مصون بماند. کشیشان پدوفیل، بیمار باشند یا در زمره جنایتکاران جامعه و با هر انگیزه و نیت فردی مرتکب این کثیف‌ترین شکل کودک آزاری شده باشند تفاوتی در مسئولیت کلیسا در این میان ندارد. تجاوز و سواستفاده جنسی از کودکان جنایاتی است که نهاد کلیسا عامل تولید و باز تولید آن است. کلیسا یک نهاد مافیایی قدرتمند و ریاکار است که در حمایت مستقیم دولت‌ها، با پول و اعتماد مردم، بالای سر آنها قرار گرفته است. مردمی خلع سلاح شده، کودکان بی دفاع خود را برای آموزش خرافه در اختیار کلیسا قرار می‌دهند. هر جانی و بیماری در این دستگاه می‌تواند کودکان معصوم را علاوه بر شستشوی مغزی به سادگی مورد هر تعرض دیگری قرار دهد. قدرت، پول و فریب، بر متن استیصال و نیازی مردمی که بسوی آن دست "تیار" دراز می‌کنند، مکان و موقعیتی به این نهاد بخشیده است که هر کشیش و کاردینالی بتواند در آن، کثیف‌ترین سواستفاده‌ها را از مردم و کودکان بکند.

تاریخ کلیسا مملو از جنگ و قتل عام، مصلوب کردن مخالفین، کتاب سوزان و ایستادگی در مقابل علم و هر نوع روشنگری است. اگر امروز دایره تعرض این نهاد به جنایاتی

چون تجاوز به کودکان معصوم "محدود" شده است به این خاطر است که مردمی به تنگ آمده از فجایع کلیسا سه قرن پیش یک بار آن را از قدرت به زیر کشیدند. پدوفیلی هزار کشیش در قرن بیست و یک باید بتواند بساط این نهاد تحمیق و خرافه و سواستفاده از قدرت را برای همیشه جمع کند. بی تردید باید همه کشیشان و کاردینال‌هایی که پرونده پدوفیلی دارند و یا سالها آن را لاپوشانی کرده‌اند، را محاکمه و مجازات کرد و جامعه و کودکان را از گزند این مافیای ضد انسانی محفوظ نگاه داشت. اما درمان زخم‌هایی که کلیسا می‌زند، درمان لطمات و صدماتی است که کودکان معصوم دیده‌اند و تضمین مصونیت کودکان تنها در جمع کردن بساط هرچه کلیسا و کنیسا و مسجد و معبد است. باید در مقابل کلیسا در پرده پوشی تمام حقایق مربوط به تجاوز به کودکان ایستاد و باصدای بلند اعلام کرد که نهاد کلیسا، واتیکان و پاپ مسئول مستقیم این جنایات اند. نفس وجود کلیسا و فعالیت کشیشان برای زندگی شاد و سالم کودکان خطرناک است. نفس دست درازی مذهب به زندگی کودکان، تولید و باز تولید کننده تجاوز و تعرض به کودکان است. محیط زندگی کودکان را باید از این سم پاک کرد. هیچ کودکی در "آغوش" کلیسا خوشبخت و سربلند نیست. این را تاریخ حاکمیت و حضور کلیسا قرن‌ها ثابت کرده است. بشر و جامعه بشری برای اثبات فاسد، ضد بشری و مافیایی بودن این نهاد نباید کودکان بیشتری را قربانی کند. جامعه انسانی به این مراکز فساد احتیاجی ندارد. ■

از صفحه ۱

## آنها آماده میشوند!

خود را به اعتراض اخیر کارگران ایران خودرو علیه ساعات طولانی کار وصل کند. رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار در رابطه با "۱۱ اردیبهشت" با حرارت از "راهپیمایی" حرف می‌زند و مخالفین آنرا تهدید میکند و از این صحبت می‌کند که "خانواده ۲۷ میلیونی کار"، که البته "سرباز فداکار اسلام و نظام است"، خواهان "سهم خود در حاکمیت" است. هر جا که امکان تفرقه‌ای باشد، روی آن دست می‌کنند. (مثلاً قرار دادن کارگر بومی در مقابل مهاجر، میکوشند هر طور هست بخش‌های مختلف طبقه کارگر (مثلاً معلمان و کارگر کارخانه) را از هم جدا کنند. و همه این تلاش‌ها البته در متن آماده باش و اقدامات ویژه دستگاه امنیتی نظامی رژیم برای مقابله با اول مه صورت می‌گیرد. فعالین کارگری به بهانه‌های مختلف فراخوانده میشوند. (مثلاً اخیراً تعدادی از کارگران معترض چیت ری فراخوانده شده‌اند تا در مورد تجمعات قبلی کارگران این کارخانه توضیح دهند. در شهرهایی که سنت برگزاری مراسم‌های مستقل اول مه دارند (نظیر سنندج) شبه حکومت نظامی تدارک می‌شود و غیره.

اینجا البته در اساس چیز تازه‌ای نیست. از وقتی که تلاش‌های مسخره خمینی در مقابل اول مه (که "همه روز روز کارگر است، خدا هم کارگر است") به جایی نرسید، دولت‌ها و اسلامی سرمایه‌ناگزیر از برسمیت شناختن "۱۱ اردیبهشت

بعنوان روز کارگر" شده است و هر سال با تلاش‌هایی نظیر آنچه که امسال شاهد آن هستیم کوشیده است اول مه را خنثی و بی اثر کند. با اینهمه، امسال تفاوت‌هایی وجود دارد.

امسال جمهوری اسلامی ضعیف‌تر و سردرگم‌تر از همیشه است. موقعیت بین المللی و داخلی جمهوری اسلامی، اوضاع اقتصادی و سیاسی اش برآنت و خیم‌تر از سال قبل است. مردم ایران بیشتر به سمت سرنگونی طلبی چرخیده‌اند. فقر و بیکاری و گران‌لیجام گسیخته‌تر از هر زمان است. نارضایتی از دستمزدها بسیار وسیع است. جامعه شاهد حرکتی نظیر اعتراضات معلمان بوده و افق حرکات توده‌ای و سیاسی ویژه طبقه کارگر عملاً در مقابل جامعه گشوده شده است. چپ جامعه طعم زور و قدرت خود را قدرتی چشیده و با اعتماد به نفس‌تر است. اینها همه فلش‌هایی هستند که بسوی طبقه کارگر و اول مه‌اش نشانه می‌رود. تلاش‌های سراسیمه برای مقابله با اول مه، که تصویری از آن ارائه شد، از وحشت اینست که این سنت تاریخی و کمونیستی طبقه کارگر امسال با قدرت قد علم کند و مسیر تحولات جامعه را به نفع چپ و آزادیخواهی و عدالتجویی کارگری و کمونیستی تغییر دهد.

وحشت بورژواهای ریز و درشت واقعی است. اینهم تاکید دیگری است بر اینکه بکوشیم اول مه را به روز نمایش پر قدرت میلیون‌ها زن و مرد بخش‌های مختلف طبقه کارگر و مردم آزادیخواه، به روز بزرگ نه به جمهوری اسلامی، به روز برافراشتن پرچم آزادی و برابری انسانها تبدیل کنیم. زنده باد اول مه. ■

## اخباری از اعتراض کارگری و تعطیلی کارخانجات

صف کارگران بیکار افزوده خواهند شد.

۲۰ سال سابقه کار هستند و ظاهراً قرار است با تعطیل شدن این کارخانه بیمه بیکاری به آنان تعلق نگیرد. ■ کارخانجات فراگیر بافت بلوچ ایرانشهر که از سال ۵۴ راه انداخته شده‌اند اکنون در حال تعطیل شدن هستند. کارگران این کارخانه که بیش از ۲۵۰۰ کارگر دارد ماهیست حقوق خود را دریافت نکرده‌اند. ■ ۷۵ شرکت از واحدهای نساجی در ایران در حال تعطیل شدن هستند. در این شرکتها ۷۲۴۰۰ نفر کارگر کار می‌کنند. با تعطیل شدن این شرکتها این تعدا از کارگران نیز به دیگر کارگران بیکار شده نساجی و

۸۰ و عدم دریافت پاداش و عیدی خود در مقابل در ورودی این کارخانه تجع اعتراضی برپا کردند. روسای این کارخانه قول داده بودند که در اواخر اسفند دو ماه حقوق و عیدی و پاداش آنان را پرداخت کنند ولی تا بحال از پرداخت آن خبری نشده است. کارگران بارها به استانداری سمنان و مسئولین جمهوری اسلامی شکایت کرده‌اند ولی جوابی نگرفته‌اند. ■ کارگران کارخانه جامکو به تعطیلی این کارخانه اعتراض کردند. این کارگران گفته‌اند که بیش از ۱۵۰ کارگر این کارخانه دارای

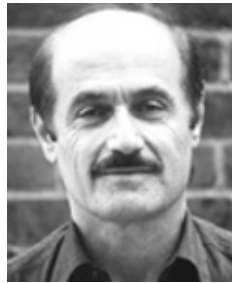
\* کارگران کارخانه شادان پور در اعتراض به عدم پرداخت بومق حقوق و مزایای خود روز ۲۶ فروردین در خیابان ولی عصر تهران راهپیمایی کردند. کارگران خواهان رسیدگی فوری به وضعیت حقوقی خود بودند و شعارهایی در این مورد با خود حمل می‌کردند. مزدوران انتظامی جمهوری اسلامی با تهدید کارگران، مانع ادامه راهپیمایی کارگران در خیابان ولی عصر شدند.

\* روز چهارشنبه ۲۱ فروردین جمعی از کارگران کارخانه نساجی و ریسمن ریزی سمنان در اعتراض به عدم دریافت حقوق دو ماهه آخر سال

# برای سرنگونی جمهوری اسلامی فردا دیر است

در حاشیه بیانیه "جبهه دمکراتیک ایران"

مظفر محمدی



جانشینان سرکوبگر و خوش رویش از هر دو جناح هم همین رامیگویند. اینها نظام آپارتاید جنسی شان را بهتر و مطلوبتر برای زنان دانسته و آن را برابری اسلامی زن و مرد مینامند. در رژیم شاه هم ظاهرا دین از دولت جدا بود و اعلامیه جهانی حقوق بشر و برابری زن و مرد برسمیت شناخته شده بود، اما کماکان اسلام دین رسمی بود و مذهب در قضاوت و آموزش و پرورش و زندگی خصوصی مردم دخالت میکرد، کماکان صیغه و چند همسری و دیگر قوانین شرعی در رابطه زن و مرد در خانواده حکم میکرد، و قوانین سرمایه‌داری کار و بردگی مزدی حاکم بود، ارتش حرفهای و پلیس و ساواک بالای سر مردم بود و آزادی بی معنی بود....

## فراندم

خط مشی و آلترناتیو آقای طبر زدی پلتیک زدن نیست، گویا حالا که شعار سرنگونی ممنوع است پس بیائیم از در دیگر وارد شویم و بگویم فراندم. فراندم تلاشی برای نجات رژیم اسلامی به روش دیگر و سرانجام تلاش برای منحرف کردن خواست سرنگونی به عنوان هدف اصلی این جریان است. طبرزدی آگاهانه میخواهد بر خواست میلیونی مردم برای سرنگونی رژیم سرپوش بگذارد. میخواهد جمهوری اسلامی فراندم کند و خودش خودش را حذف کند و اسم این را میگذازند "انقلاب آرام"! قرار است با تاکتیک "فعال" ولی "آرام" و طی فراندمی که شرط اصلیش این است خود رژیم خواهد و اجازه‌اش را صادر کند...

## اصلاحات

مردم با اصلاحات واقعی در زندگی اجتماعی خود نه تنها مخالف نیستند بلکه برای تحمیل آن به دولت و برای کسب هر اندازه آزادی و رفاه تا حالا هم مبارزه کرده‌اند و به خاطر آن دستگیر شده، شلاق خورده، سنگسار شده و ترور و اعدام گشته‌اند. اما در اینجا حرف بر سر تلاش برای اصلاح رژیم و چهره انسانی دادن به اسلام است و این کار را قبل از جبهه دمکراتیک آقای طبرزدی دیگران هم کرده‌اند. پخش اصلی جریاناتی که امروز طبرزدی آنها را در "جریان سوم" اصلاح طلب خود قرار میدهد مهره های اصلی رژیم و بقیه هم تمام تلاششان پیدا کردن جایی در همین رژیم بوده و هنوز هم بخشا هست. خود خمینی و همین شعارها سر کار آمد.

اخیرا آقای طبرزدی بیانیه‌ای تحت عنوان "دیدگاه تحلیلی جبهه دمکراتیک ایران" منتشر کرده است. در این بیانیه، او از طرف جبهه دمکراتیک خود به کلیه نیروهای اپوزیسیون غیر سرنگونی خواه در داخل و خارج کشور زیر نام "جریان سوم" حول شعار "اتحاد مبارزه پیروزی" فراخوان میدهد. طبرزدی با این اتحاد همه با هم میخواهد با خط مشی "مبارزه فعال" و "انقلاب آرام" و طی "فراندمی" قدرت را از جناحهای رژیم که او آنها را جناح راست سرکوبگر و جناح چپ قدرت طلب مینامد، بگیرد.

طبرزدی خود (مرکزیت جبهه دمکراتیک ایران) را نماینده و به جای کل جنبش جوانان و دانشجویان میگذارد و به همراه احزاب و جریانات سیاسی از مذهبی و ملی و مشروطه خواه تا روحانی و دمکرات را در مجموعه‌ای به نام "جریان سوم" قرار میدهد. جریانات سرنگونی طلب از نظر او که میخواهند به هر نحو رژیم را سرنگون کنند در جریان سوم طبرزدی قرار نمیگیرند.

## "جریان سوم" چه میخواهد؟

حقیقت این است که جمهوری اسلامی لاشه در حال مرگی است که طیف وسیعی از جریانات سیاسی بر این جنازه نوحه میخوانند و سینه میزنند و میخواهند نجاتش دهند. زمانی در این طیف تنها صحبت از نجات رژیم از درون و توسط "خودیها" بود و حالا همه میگویند این راه حل شکست خورده و باید از بیرون رژیم را اصلاح کرد و نجات داد.

دیدگاه تحلیلی طبرزدی و فراخوان اتحاد و همه با هم او تداوم راه حلهای درونی نجات جمهوری اسلامی اما از بیرون است. حفظ پایه‌های اصلی این نظام و قوانین استثمارگرانه و دم و دستگاههای سرکوبگر آن است. حفظ ماهیت این رژیم است. یعنی دمکراتیک کردن جمهوری اسلامی، کند کردن لبه تیغ اسلام و منطبق کردن آن با نظام جهانی سرمایه و سود و حاکمیت اقلیتی استثمارگر بر اکثریت محروم جامعه است. یک پاکستان یا ترکیه اسلامی بدون ولایت فقیه است.

"مبارزه فعال" طبرزدی این مساله را تا حدودی روشن میسازد. او میخواهد جنبشهای اجتماعی و صنفی و ... به قصد تبادل اطلاعات و

آموزش و پرورش و خانواده و زندگی خصوصی مردم روبرو خواهد شد که آن را حفظ میکنند. اسلام را باز دین رسمی کشور اعلام میکنند. نامحای را که با بسم الله و یا به نام خداوند شروع نشود را پاره و صاحبانش را دستگیر میکنند. مردم با ملیون و مذهبیون از هر رنگی آشنا هستند. اینها نمیگویند با ارتش و سپاه چه میکنند، نمیگویند کار مزدی و استثمار کارگر چه میشود، جواب مساله کردستان را چه میدهند، آیا ملیون-مذهبیون تحت عنوان دفاع از تمامیت ارضی ایران و بار دیگر باجکدهای نظامی بنی صدری، جنبش مردم کردستان را سرکوب نمیکند؟

سرنگونی جمهوری اسلامی حتی با یک روز تاخیر دیر است، این منشا شر و استثمار و آپارتاید جنسی و کشتار و زحمت و فساد باید بود و هر چه زودتر بهتر. کل این نظام باید برود و جانشین آن یک نظام ملی، مذهبی، دمکراتیک و شریعتی نیست. این رژیم با کلیه قوانین مذهبی و شرعی و با ارتش و سپاه پاسداران و با قانون اساسی و نظام بردگی کار مزدیش باید برود. این رژیم نه با فراندم میرود و نه اصلاح پذیر است. جمهوری اسلامی باید با اعتصاب کارگری، با میتینگها و تظاهرات خیابانی و با قیام و انقلاب برود. کارگران، زنان، جوانان و مردم آزادیخواه ایران نیروی سوم و واقعی برای سرنگونی رژیم است که به میدان آمده‌اند و تکلیف رژیم را آنها تعیین میکنند. آلترناتیو ما برای رژیم اسلامی جمهوری سوسیالیستی است. برابری اقتصادی و اجتماعی انسانها و لغو کار مزدی است، برابری کامل زن و مرد است، آزادیهای بی قید و شرط سیاسی است... و ضامن آن هم یک نظام حکومتی و اداره شورایی است که بیشترین دخالت مردم در سرنوشتشان را تأمین میکند و هیچ مجالی برای قدرت طلبی و سرکوب و بی عدالتی باقی نمیگذارد. ■

جمهوری اسلامی بود! این در بهترین حالت و با بهترین نیت خبر یک توهم و خود فریبی محض است، اگر حتی هیچ هدف مردم فریبی در آن نباشد، این بیگانگی آشکار با روند تحولات در ایران و بیگانگی با خواست و آرزوهای سرکوب شده مردم، کارگران، زنان و جوانان در ۲۳ سال اخیر در ایران است.

جمهوری اسلامی اگر خودش برود و خونی از دماغ کسی نیاید خیلی خوب است! اما مردم میدانند که این اتفاق نمی افتد و برای همین در کمین آن نشسته‌اند که سرنگونی کنند. اما امروز آقای طبرزدی از مردم سرنگونی خواه میخواهد که از خر شیطان پایین بیایند و به نهضت دمکراتیک و مشروطه خواهی و اصلاح طلبی و ملی-مذهبی و انقلاب آرام او پیوندند. طبرزدی و همراهانش میخواهند دور بعدی زندگی مردم در دست امثال اکبر گنجی و حجاریان و آیتالله منتظری و مشروطه خواهان و ملی-مذهبیها و دمکراسی خواهان جدید باشد. این آن سناریو و آلترناتیو و سرنوشتی است که بیانیه تحلیلی طبرزدی برای مردم ایران میخواهد. این سناریو با هر رنگ و لباسی برای همه ما آشنا است. از همین حالا و مثل روز روشن است که در آلترناتیو جبهه فرا دمکراتیک آقای طبرزدی جایی برای آزادیهای بی قید و شرط سیاسی نیست. آنجا هم کمونیستها و کارگران را به خاطر ضدیتشان با مذهب و با ناسیونالیسم و مخالفتشان با کار مزدی و آپارتاید جنسی تحت عنوان مقدسات مردم، میهن عزیز و آزادی سرمایه و سود و غیره خفه میکنند. مگر میشود ملی-مذهبی بود و مخالفت با ناسیونالیسم و مذهب را تحمل کرد؟

آنچه را که طبرزدی مواضع اصولی خود مینامد با مواضع کنونی رژیم مویی فاصله دارد. رادیکالترین شعار این جبهه یعنی جدایی دین از دولت و برابری حقوق زن و مرد هم فردا با شبکه مساجد و آخوند و دخالت مذهب و قوانین شرع و اسلام در دستگاههای قضایی و

## از سایت روزنه دیدن کنید!

در سایت روزنه میتوانید نشریات و اطلاعاتی های سازمان های سیاسی، مقالات متعددی از شخصیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و گزیده ای از مطالب نشریات چاپ ایران را مطالعه کنید. از طریق سایت روزنه میتوانید به سایت کلیه احزاب و سازمان های اپوزیسیون، به رادیوهای فارسی زبان، و به نشریات چاپ ایران دسترسی پیدا کنید و مطالب آنها را مطالعه کنید. مطالب، اطلاعاتی ها و نظراتتان را برای روزنه بفرستید.

www.rowzane.com  
rowzane@yahoo.com

یک  
دنیای  
بهتر

برنامه حزب  
کمونیست کارگری  
را بخوانید

در آستانه اول مه

## کارگران، ایتالیا را به تعطیل کشاندند

فاتح شیخ الاسلامی



تاچر است، نه موقعیت کارگران و اتحادیه های کارگری ایتالیا، موقعیت معدنچیان انگلیس در ۵-۱۹۸۴ است. برعکس، کارگران و اتحادیه های کارگری ایتالیا، با پیشدستی درست و بموقع خود، موقعیتی کسب کرده اند که قادرند نه فقط حکومت پرلوسکونی و موئتلفانش را ساقط کنند، بلکه کل آرایش سیاسی کنونی هیات حاکمه ایتالیا، موسوم به "جمهوری دوم" را بر هم بریزند و یک فضای سیاسی و مبارزاتی فعال و رادیکال به روی جامعه باز کنند.

این در حالی است که در غیاب برخورد فعال احزاب و جریانهای سیاسی اپوزیسیون در کنار این حرکت، این اتحادیه های کارگری هستند که باید نقش حریف سیاسی حکومت پرلوسکونی را بازی کنند. مشکل اینجاست که آیا این اتحادیه ها با سنت ها و سیاست تریدنیونیویستی شان خواهند توانست اتحاد بزرگ کارگری ای که در این اعتصاب به میدان آمد را حفظ و هدایت کنند و به یک گام پیشروی سیاسی و مبارزاتی برسانند؟ قدر مسلم اینکه قدرت نمایی بزرگ طبقاتی کارگران ایتالیا در آستانه اول مه، می تواند برای جنبش طبقه کارگر در اروپا نوبدبخش پیشروی های بیشتری باشد و در عین حال می تواند ضرورت سروسامان دادن به گرایش کمونیستی کارگری و تلاش برای شکل دادن به احزاب کمونیستی کارگری در این جوامع را برجسته تر کند.

۱۸ آپریل ۲۰۰۲ ■

سه شنبه ۱۶ آوریل اعتصاب یکروزه و سراسری کارگران در ایتالیا، که گسترده گی آن در ۲۰ سال گذشته بیسابقه بود، این کشور را سراسر به تعطیل کشاند. تنها تیش زندگی در خیابانها، مارشهای بزرگ کارگران در رم و شهرهای دیگر بود. اعتصاب و تظاهرات بیش از ۱۲ میلیون کارگر، واکنش اولیه و پیشدستانه کارگران و اتحادیه ها به تلاش پرلوسکونی برای برداشتن ماده ای از قانون کار بود که اخراج "غیرموجه" می کند. پرلوسکونی با این کار می خواهد دست کارفرماها در اخراج کارگران را باز کند، اما بنظر میرسد دارد بار دیگر دست کارگران برای اخراج خودش از قدرت را باز میکند (سال ۱۹۹۴ هم اعتراضات کارگری او را از قدرت پائین کشید).

فاشیسم بمشابه منتهی الیه راست بورژوازی، اول از همه به سنگرهای حقوق کارگری یورش میبرد و آخر کار هم هدفش بیحقوق کردن و به بردگی کشاندن کارگران است. پرلوسکونی تاچر را مدل خود کرده است، و طنز روزگار اینکه جانشین لیبری تاچر، تونی بلر، حامی جنی اوست، طوری که این حمایت حتی در انگلیس داد لیبری ها و در اروپا داد احزاب سوسیال دمکرات را در آورده است. حمایت بلر از پرلوسکونی بخشی از تلاش او برای شکل دادن به یک "محور" راست در اتحادیه اروپا در قبال حقوق کارگری است. انگلستان تاکنون زیر بار قوانین کارگری اتحادیه اروپا که از ۱۹۹۱ به اینسو تصویب کرده است نرفته و تلاش بلر برای شکل دادن به این "محور" راست، بخشی از مقابله او با تحولات اخیر کارگران و اتحادیه ها در آن کشور است که خواهان تسری قوانین کار اروپا (و از جمله کاهش زمان کار به ۳۵ ساعت در هفته) به انگلستان هستند. اما بنظر میرسد که حمایت بلر نتواند پرلوسکونی را به مقام تاچر ایتالیا برساند، چون نه زمانه زمانه

## اطلاعیه اول مه حزب کمونیست کارگری ایران روز اول مه به صف اعتراض طبقاتی ما پیوندید!

المللی مان چون رفاه، عدالت و برابری، خواسته های سیاسی و اقتصادی روزمان هم باید بر پرچم اعتراضاتمان نقش ببندند: حقوق و آزادیهای سیاسی و مدنی در سطح استانداردهای پیشرفته جهان، افزایش چندصددرصدی دستمزدهای زیر خط فقر، بیمه بیکاری و تامین اجتماعی مکفی برای همه هرگونه تبعیض اجتماعی، سرکوب سیاسی و رفع هرگونه تبعیض و بیحقوقی از زنان.

**مردم شریف و آزادیخواه!  
انسانهای تشنه رفاه و  
عدالت و برابری!**

حزب کمونیست کارگری ایران شما را به پیوستن به صف طبقه کارگر در مارشهای اول مه فرا میخواند. روز اول مه، بیرون بریزید و به صف اعتراض طبقاتی ما پیوندید! به صف مستقل طبقه کارگر در برابر کل نظام سرمایه داری، به صف مبارزه برای برانداختن کل سیستم اقتصادی کار مزدی، برچیدن کل دم و دستگاه سیاسی سرکوبگر آن و نقد ایدئولوژی و فرهنگ توجیه گر آن پیوندید! این صف را هرچه نیرومندتر و متحدتر کنید.

**حزب کمونیست کارگری ایران**  
فروردین ۱۳۸۱ - آپریل ۲۰۰۲

چین و هر سنگر بستن و صف آراستی در هر جای دیگر، همه نشانه ها و نمونه های این حقیقت اند که تحرک مبارزاتی ما و نشاط حیاتی ما، بعنوان نیروی تغییردهنده و دگرگون کننده این دنیای وارونه، از تیش نیفتاده و جهان سرمایه هم، به رغم اکراهش، قادر به چشم بستن بر آن نبوده است. این جنبش هرروزه ماست. این را نفس حیات ما، نفس موقعیت ما بعنوان طبقه استثمارشونده جامعه به ما حکم میکند.

روز اول مه اما آینه جوهر مشترک و طبقاتی تمامی این مبارزات دائم و متنوع ما در طول سال و سالیان است. روز اعتراضات به کل نظام سرمایه داری، به بنیاد اقتصادی آن، به هر شکل از آرایش سیاسی که روی آن بنا کرده اند، اعم از دیکتاتوری دمکراتیک پارلمانی نوع غربی و یا استبداد عریان نوع شرقی و روسی و چینی و اسلامی و آسیایی و آفریقایی و غیره، روز قدمان به هر آمیزه ای از رنگ و لعاب ایدئولوژیک و فرهنگی توجیه گر این نظام، روز اعتراض به استثمار، به کار مزدی، به مالکیت بورژوازی بر وسائل تولید، و به سرکوبهای سیاسی، کشتارها، ستمها و بیعدالتی های آن است.

در ایران زیر حاکمیت جمهوری اسلامی، در کنار خواسته های بین

روزی نیست که بورژوازی علیه طبقه کارگر نقشه ای نریزد، قانونی نیابد و نبرد، جنگ و بلوایی راه نیندازد و تعرضی نکند. جوهر سرمایه داری، منطق کارکرد آن و مکانیسم سودآوری در آن، حکم میکند که سرمایه داران و دولتپایشان در هر نقطه دنیا در سطح خرد و کلان و محلی و جهانی، علیه ما، علیه رفاه و آزادی مان، علیه توقعات و آرزوهای انسانی مان، علیه خواسته هایمان برای برخورداری از زندگی مرفه، شاد، غنی، متنوع و درخور انسان امروز، علیه تشنگی و اتحادمان و حتی علیه نفس زندگی و حق حیاتمان، روز و شب طرح بریزند و یورش سازمان دهند. لیست مشقات جدیدی که از ۱۱ سپتامبر با جدال دو قطب تروریسم جهانی جلوی ما گذاشته اند، فضای جنگ و ترور، و دورنمای تیره ای که با این فضا فراروی بشریت گرفته اند، پرده ای است که در پشت آن یورشهای دیگرشان را علیه طبقه کارگر و میلیاردها انسان محروم جهان به پیش می برند. از بوش و شارون و صدام و بلر و پرلوسکونی تا خامنه ای و خاتمی و بن لادن و ملاعمر و گله ای از دیکتاتورها و قداره بندان دیگر، از ارتشهای بزرگ و مجهز تا باندهای ترور، از پارلمانهای مجلل تا شکنجه گاههای قرون وسطائی، همه هدفشان در بند گذاشتن و محروم نگه داشتن طبقه ای است که در کار آفرینش دائم امکانات مادی برای زیستن خوشیخت، شاد، آزاد، برابر، و در صلح و دوستی انسانهاست.

در برابر این یورشها، ما کارگران جهان، به رغم هزاران زخم بر پیکرمان، بیوقفه و در هزاران شکل آشکار و پنهان، به مقاومت و مبارزه خود ادامه داده ایم. از مارش میلیونی و اعتصاب سراسری در ایتالیا، تا رودرویی های وسیع در آلمان و انگلیس و فرانسه تا مبارزات گسترده و هر روزه در ایران زیر حاکمیت اسلام تا ابراز وجود طبقاتی مان در

**حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی** 001 647 885 2485  
**کوروش مدرسی رئیس دفتر سیاسی** 0044 774 863 0833  
**اصغر کریمی** 0044 - 771 4097928  
**آذر مدرسی دبیر تشکیلات خارج** 00447815902237  
**رحمان حسین زاده-دبیر کمیته کردستان حزب:** 0046-739 855 837  
**اسد گلچینی - دبیر تشکیلات کل کشور** 0044 7940 416 768  
**شهلا دانشفر: دفتر مرکزی حزب** 00447950517465  
**بهرام مدرسی - دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست:** 0049174 944 0201

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت  
www.wpiran.org www.jawanan.org  
www.wpibriefing.com www.iwsolidarity.com  
www.rowzane.com www.medusa2000.com  
www.hambastegi.org www.marxsociety.com  
www.childrenfirstinternational.org www.kvwpiran.org

**Bank Account:**  
Z.I. Konto:  
520 5164 008  
BLZ: 10090000  
Beliner Volksbank  
Germany

**Website:**  
www.haftegi.com  
**Email:**  
haftegi@yahoo.com  
**Fax:** 0044-8701207768

**Address:**  
BM Box 8927  
London  
WC1N 3XX  
England